



نسخه تلفن همراه

شرح حدیثی درباره ویژگی‌های نزدیک‌ترین افراد به پیامبر در روز قیامت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عن جعفر بن محمد علیهما السلام عن ابيه عن جدّه علیهم السلام قال قال رسول
الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اقْرَبُكُمْ غَدًا مَنِّي فِي الْمَوْقِفِ اَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَ اَدَاكُمْ
لِلْاَمَانَةِ وَ اَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَ اَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ اقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ. (۱)

● اقْرَبُكُمْ غَدًا مَنِّي فِي الْمَوْقِفِ اَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ

در موقف قیامت همه‌ی سختی‌ها و وحشتها و ترسها و احوال گوناگون برای انسان وجود دارد، و فرقی هم نیست بین مؤمن و غیر مؤمن: يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ اَخِيهِ * وَ اُمِّهِ * وَ اَبِيهِ * وَ صَاحِبَتِهِ * وَ بَنِيهِ * لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ؛ (۲) یک چنین روزی است روز قیامت، که در آیات کریمه‌ی قرآن، بخصوص در سوره‌های اواخر قرآن خیلی زیاد به احوال و احوال (۳) در قیامت پرداخته شده. خب در یک چنین

مهر که‌ی سختی که اهمّیت و سختی آن موقف اصلاً برای ما قابل تصوّر نیست، انسان دنبال یک مرجع امنی می‌گردد؛ یک جایی که به آن پناه ببرد، به آن تکیه کند، در زیر سایه‌ی آن باشد. آن کسی و آن جایگاهی که از همه‌ی اشخاص و جایگاه‌ها در قیامت امنیّت بیشتری به انسان می‌دهد، جایگاه پیغمبر اکرم است. اگر کسی بتواند خودش را نزدیک آن بزرگوار برساند، اطمینان خاطر پیدا میکند، احساس یک امنیّتی میکند؛ مثل دنیا دیگر؛ وضع دنیا را ملاحظه کنید: اگر چنانچه در جایی که سختی هست، مشکل هست، تهاجم هست، دزدی هست، رذالت هست، یک نفر انسانی که آنجا در معرض همه‌ی اینها قرار گرفته، بخواهد خودش را امنیّت بدهد، یک کسی را پیدا میکند، یک شخصیّتی را پیدا میکند که قوی باشد، مستحکم باشد و فوراً بی‌رود نزدیک او می‌ایستد. در قیامت هر کسی بتواند نزدیک نبی مکرّم اسلام قرار بگیرد، دیگر آنجا یک احساس امنیّتی دارد. خب، چه کسی میتواند برود آن نزدیک؟ خلائق جن و انس از اوّلین و آخرین که در آنجا جمعند، همه مایلند که خودشان را برسانند به این بزرگوار؛ می‌بینند مقام و مرتبه‌ی او را، می‌بینند مقامی دارد که «يَغْبِطُهُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَ الْاٰخِرُونَ»، (۴) آن را می‌بینند و میخواهند، [اما] میتوانند؟ نه، همه نمیتوانند. این روایت میگوید وسیله‌ای که شما بتوانید با آن، خودتان را نزدیک پیغمبر بکنید، چیست؛ آن را دارند به ما یاد میدهند.

اینجا دار عمل است، آنجا دار نتیجه است. اینجا یک کارهایی را به ما یاد داده‌اند، گفته‌اند این کارها را انجام بدهید که اگر این کارها را اینجا در این دوره‌ی کوتاه - کوتاه است دیگر، این دنیا یک لحظه‌ی از عمر ابدی است، یک لحظه است؛ نود سال، صد سال اگر کسی عمر کند، یک لحظه است در مقابل آن عمر ابدی عالم آخرت - انجام دادیم، اگر در این یک لحظه انسان این چیزها را رعایت بکند، در آن موقف دشوار به دردش می‌خورد. حالا اینها چیست؟ چند مورد را ذکر کرده‌اند. خود

حضرت فرمودند: **أَقْرَبُكُمْ عَدَاً مَنْنِ**، [نزدیک‌ترین شما به من]، **فِي الْمَوْقِفِ** - یعنی در قیامت - اول این [فرد] است: **أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ**؛ آن کسی که راست‌گوتر است، در حرف زدن راست‌گو است، آنچه می‌گوید از روی صدق بیان میکند؛ دروغ و تهمت و شایعه و حرف ضعیف و قول بغیر علم و مانند اینها در آن نیست. «صدق» یعنی انطباق با واقع، آنچه را واقع است - که او میداند واقع است - بیان میکند؛ **أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ**.

● **وَ آدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ**

آن کسی که بیشتر از همه اداء امانت میکند؛ که مکرر عرض کرده‌ایم که امانت فقط این نیست که حالا یک پولی شما دست بنده بسپرید، بنده آن را به شما برگردانم؛ این یکی از انواع امانت است. همه‌ی آن چیزهایی که مردم به ما می‌سپرنند، امانتهای مردم است؛ مقام را به ما می‌سپرنند، امنیّت را به ما می‌سپرنند، دینشان را به ما می‌سپرنند، حفظ نوامیسشان را به ما می‌سپرنند؛ همه‌ی این چیزها امانتهای مردم دست ما است. ما حکومتیم دیگر؛ هر کسی هر جا هست؛ یکی مثل بنده در یک جایگاهی قرار دارد، یکی در جایگاه دیگری قرار دارد، یکی قاضی است، یکی مسئول تعلیم و تربیت است، یکی امام جماعت است؛ همه‌ی اینها امانتهایی است که دست ما سپرده است؛ اداء امانت. هر کدام بهتر اداء امانت کردید، آنجا جایتان به حضرت نزدیک‌تر است و امنیّتتان بیشتر است.

● **وَ أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ**

[در مورد] پیمانهای فردی و اجتماعی، وفای به این عهدها بکنید؛ که البته مهم‌ترینش پیمانهای اجتماعی است؛ این قراردادهای اجتماعی، این حقوق شهروندی [است]. خب این چیزهایی که حالا امروز فرنگی‌ها یاد گرفته‌اند می‌گویند

«حقوق شهروندی»، ماها هم از اینها می‌خواهیم یاد بگیریم! حرفه‌هایی که در روایات ما و در قرآن ما هست، حالا ما داریم از غربی‌ها اینها را [یاد می‌گیریم]! خب اینجا دارد می‌گوید «أَوْفَاكُم بِالْعَهْدِ»؛ «عهد» یعنی قرارداد، آن چیزی که بین شما و بین دیگران قرارداد بسته [شده]. شما وقتی در یک محیط با هم زندگی می‌کنید، یک قراردادی با هم بسته‌اید دیگر؛ مثل این است که در یک آپارتمانی ده خانواده زندگی میکنند؛ اینها ولو هیچ کاغذی هم امضا نکرده‌اند، [اما] یک معاهداتی در مقابل هم دارند؛ این چیز قهری است دیگر؛ [مثلاً] تو سر و صدا نکن که در خانه‌ی او بچه‌اش از خواب بیدار نشود، او هم سر و صدا نکند که بچه‌ی تو از خواب بیدار نشود؛ این قرارداد روشنی است دیگر؛ حقوق شهروندی یعنی اینها.

○ وَأَحْسَنُكُمْ خُلُقًا

یکی از چیزها هم این است که خوش اخلاق باشید؛ بد اخلاق و عبوس [بودن] و [اینکه] در خانه یک جور، در محلّ کار یک جور، با مردم یک جور، با تکبر، با اوقات تلخی [رفتار کردن]، خیلی بد است. آن کسانی که «أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا» هستند، آنجا نزدیک‌ترند.

○ وَأَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ

مردمی بودن. ببینید، سبک زندگی اسلامی اینها است. باز همین «مردمی بودن» هم از حرفه‌هایی است که حالا متجدّدین و مانند اینها فکر میکنند که از دیگران یاد گرفته‌اند؛ نه، اینها در روایات ما است. مردمی باشید، با مردم باشید. معنای با مردم بودن این نیست که فرض کنید انسان به چهار نفر از طبقه‌ی ممتاز بگوید اینها مردمند؛ نه، یعنی توده‌ی مردم، طبقات پایین مردم، عامه‌ی مردم؛ با اینها باشید،

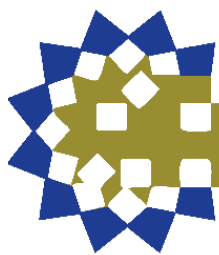
بین اینها باشید، مثل آنها زندگی کنید، در حد آنها زندگی کنید، پیش آنها تواضع کنید؛ اینها معنای مردمی بودن است.

(۱) امالی طوسی، مجلس هشتم، ص ۲۲۹؛ «امام صادق (ع) از پدرش از پیامبر اکرم (ص) نقل میکنند که پیامبر فرمود: نزدیک‌ترین شما به من در قیامت، آن کسی است که راست‌گوتر باشد، آن کسی که بیشتر از همه اداء امانت میکند، به پیمانها و عهدهایش پایبندتر باشد، و خوش اخلاق‌تر باشد و مردمی‌تر باشد.»

(۲) سوره‌ی عبس، آیات ۳۴ تا ۳۷؛ «روزی که آدمی از برادرش، و از مادرش و پدرش، و از همسرش و پسرانش میگریزد. در آن روز، هر کسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول میدارد.»

(۳) ترس و اضطراب شدید، وحشت

(۴) کافی، ج ۴، ص ۵۵۱



دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

KHAMENEI.IR